

سرعتی که طالبان با آن، کشور را به تصرف خود درآورد، «بازتابی از توانایی نظامی نیست، بلکه بازتابی از فروپاشی در اراده برای مبارزه است»

«طالبان حاضرند سر خود را برای جنگ از دست بدهند... ارتش و پلیس چگونه می‌توانند با اینهارقابت کنند؟» توضیح اینکه چگونه دین، مقاومت در برابر اشغالگری و هویت افغانی به نفع طالبان و ضرر دولت درهم تنیده شده‌اند، به ما کمک می‌کند تا جنگ ۲۰ ساله آمریکا را درک کنیم. هر دولت افغانستان، هر چند خوب و هر چند دموکراتیک، تا زمانی که با ایالات متحده همسو باشد، می‌تواند در معرض خطر قرار گیرد. طالبان پیوسته از ارتش و پلیس افغانستان الهام می‌گرفتند تا سخت‌تر بجنگند.

آفند قدرت نرم طالبان

«سوزانا جورج» [۸]، روزنامه‌نگار واشنگتن پست گزارش می‌دهد که یکی از دلایل اصلی که طالبان توانستند اینقدر سریع کشور را با جنگ کم به تصرف درآورند، این بود که یک برنامه خوب اجرا شده برای مذاکره با نیروهای امنیتی و

رهبران استانی و یا وادار کردن آنها به این انتخاب بود: بیابان، تسلیم، یا تغییر جبهه. به گفته یک افسر افغان و یک مقام امریکایی، این قراردادها که ابتدا در اوایل سال گذشته ارائه شد، اغلب توسط مقامات افغان به عنوان آتش بس توصیف می‌شد، اما رهبران طالبان در واقع در ازای تحویل سلاح‌های خود توسط نیروهای دولتی پول پیشنهاد می‌کردند. طی یک سال و نیم آینده، جلسات به سطح ولسوالی‌ها و سپس به سرعت به مراکز استان‌ها پیش رفت و براساس مصاحبه‌هایی که با بیش از ده‌ها افسر افغان، پلیس و عملیات‌های ویژه انجام شد، به یک سری تسلیم‌های نفسگیر نیروهای دولتی و سربازان منجر شد.

طالبان از عدم قطعیت ناشی از توافق فوریه ۲۰۲۰ در دوحه قطر بین این گروه شبه نظامی و ایالات متحده که خواستار خروج کامل آمریکا از افغانستان بود، استفاده کردند. برخی از نیروهای افغان متوجه شدند که بزودی دیگر نمی‌توانند روی نیروی هوایی آمریکا و دیگر حمایت‌های مهم میدان جنگ حساب کنند و از رویکردهای طالبان استقبال کردند. توافق دوحه که برای پایان دادن به جنگ در افغانستان طراحی شده بود، در عوض بسیاری از نیروهای افغان را تضعیف کرد. برخی از افسران پلیس شکایت داشتند که شش ماه یا بیشتر حقوق دریافت نکرده‌اند.

سرتیپ بازنشسته و معاون سابق دستیار وزیر دفاع برای سیاست خاورمیانه، «مارک کیمیت» [۹] نیز بر «استفاده ماهرانه طالبان از عملیات اطلاعاتی» تأکید کرد: «درحالی که بسیاری از ارتش‌های جهان با این مفهوم تقابل می‌کنند، طالبان بر عناصر اصلی روابط عمومی، عملیات روانی و تبلیغات اشراف یافته‌اند. مبارزان درخشان روابط عمومی طالبان، تبلیغات پیچیده‌ای برای نیروهای خود ایجاد کردند، در مورد پیروزی اجتناب‌ناپذیر صحبت کردند، بر پیام‌هایی به سربازان خود، حفظ وحدت میان آنها با یادآوری سلسله فتوحات مداوم آنها تمرکز کردند. برای جهان گسترده‌تر، آنها یک «تهاجم تصویری» انجام داده‌اند تا جهان را به یک «طالبان ۲۰» (نسخه دوم طالبان) معتدل‌تر متقاعد کنند و علیه نیروهای امنیتی دفاع ملی، آنها یک عملیات روانی به همان اندازه موفق را اجرا کرده‌اند تا تعداد زیادی از واحدهای افغان را برای تسلیم شدن یا عقب‌نشینی از میدان جنگ متقاعد کنند. بسیاری از فرماندهان «فقط در ازای عفو تسلیم شدند، عفو که طالبان به آنها اعطا کرد و اجازه داد به خانه بروند».